تحکیم خانواده و تعالی نشاط درون خانواده

تشکیل خانواده یکی از اساسی ترین راههای استقرار و استمرار ارزشهای اخلاقی و دینی در جامعه و همچنین از ضروریات عبور از بحران جمعیت محسوب می شود. تقویت بنیان خانواده نیازمند اصلاح زمان و مراحل تشکیل خانواده و ممانعت از آسیب ها و عواملی است که به فروپاشی آن منجر می شود. بر این اساس ازدواج به هنگام و به وقت نیاز، که مانع از آلوده شدن جوانان به ارتباطات خارج از حریم خانواده می شود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. موضوعی که متاسفانه در چشم و هم چشمی ها و بد فهمی های والدین جوانان، نادیده گرفته شده است. سخت شدن ازدواج به بهانه های واهی و با وجود توقعات غیر منطقی والدین جوانان از خانواده و طرف مقابل، موضوعی است که هم شروع زندگی را با مشکل مواجه می کند و هم ادامه آن را دچار چالش می نماید و گویی مسائل پیش پا افتاده ای مانند جهیزیه و تعداد مهمانهای حاضر در جشن و امثال این، اصل هستند و برقراری این پیوند مقدس، فرع و یک موضوع حاشیه ای. مادامی که ارزش ازدواج توسط والدین جوانان درک نشود و از تاثیری که ازدواج آسان، به هنگام، موفق و پایدار بر آرامش و امنیت جوانان، خانواده پدری آنان و جامعه دارد، تصویر صحیحی ارائه نشود، باید همچنان شاهد افزایش سن ازدواج و بعضا افزایش میزان تجرد قطعی در کشور باشیم.

اما بعد از شکل گیری نهاد خانواده، به عنوان اصلی ترین رکن جامعه و بستر فرهنگهای گوناگون که زمینه ساز خوشبختی و یا بدبختی انسان و جامعه است، موضوع موفقیت و پایداری آن از اهمیت بالایی برخوردار است. خانواده با زوجیت شکل می گیرد و با همراهی و مهربانی ادامه می یابد. لذا هرآنچه این محبت را تقویت کند، این نهاد را تقویت کرده و هرآنچه که به مهر موجود در روابط زوجین لطمه بزند، باعث سستی و فروپاشی خانواده خواهد شد.

با اینکه با برقراری عقد ازدواج محبت و آرامشی الهی بین زوجین برقرار می شود، اما این محبت هم مانند هر چیز خوب دیگر، نیازمند مراقبت و تقویت و در معرض حسادت و نابودی است. لذا زوجین چه زن و چه مرد باید با تمام توان به حفظ و تقویت این محبت همت کنند. زوجین جوان باید بدانند، بعد از ازدواج، خانواده اصلی آنان خانواده جدید است و خانواده های قبلی شان با تمام شأن و احترامی که دارند، با تمام خاطرات شیرین و ارزشمند دوران کودکی و جوانی که در آن داشته اند و با همه محبتی که بین اعضای آن وجود دارد، در مرحله دوم اهمیت قرار دارد. پس هر دو وظیفه دارند، با تمام توان از این نهاد مقدس در برابر آسیبها و بعضا دخالتهای بیرونی، حمایت و حراست کنند و در انتخاب های معمول زندگی، مصلحت خانواده اصلی را بر هر موضوع دیگری مقدم بدارند.

همچنین زوجین باید در نظر داشته باشند، رابطه همسری را علاوه بر عوامل بیرونی، بعضاً آسیبهای درون خانواده نیز مورد تهدید قرار می دهد. یکی از ضروریات تشکیل خانواده موفق، آموزش نحوه تعامل صحیح با همسر است، نیازی که دروس موجود در کتابهای درسی مدرسه و دانشگاه پاسخگوی آن نیست. همسر خوب بودن نیازمند یادگیری است. خانواده جدید با محبت آغاز می شود، اما این محبت لزوما دوام نمی یابد، چون همانطور که گفته شد، محبت شکل گرفته با ازدواج، موجود لطیف و ارزشمندی است که نیازمند مراقبت است. هنر خوب گوش کردن، با تمام سادگی اش یک مهارت مغفول در روابط بین فردی است و توان تشریک مساعی به عنوان شیوه ارتباطی موثر و پیشرفته ای که باعث می شود، افراد بتوانند مسائل را از دیدگاه طرف مقابل ببینند

و با پیدا کردن راهکاری که در مشکلات زندگی بتواند تا حد امکان منافع هر دو طرف را لحاظ نماید، بدون دریافت آموزش، از عهده کمتر کسی بر می آید. آمار طلاق با تمام توان، این نیاز را فریاد میزند.

از دیگر مسائلی که افراد باید درباره آن آگاه باشند، نحوه تعامل با کودکان و نوجوانان است. تولد فرزندان و رشد آنان در محیطی ایمن و شاد در کنار تمام لذت و شیرینی اش، مسائلی را پیش می آورد که برای حل درست آن ها نیازمند آموزش و یادگیری هستیم. در حالی که افراد نه تنها برای همسر و والد خوب بودن آموزش ندیده اند بلکه در این مورد احساس نیاز هم نمی کنند. و این سبب می شود والدین ناآگاه همچنان انسانهای سرخورده را به جامعه روانه کنند و جامعه از تبعات نا آگاهی آنان از نحوه تعامل با فرزندان آسیب ببیند و این در حالیست که ما همچنان به جای اصلاح شرایط خانواده، در بهترین حالت، به فکر درمان مشکلات موجود در عرصه بهداشت روان در جامعه هستیم. والدین باید بپذیرند، شیوه های فرزند پروری قبلی اگر تا یکی دو نسل قبل مناسب بود، امروز کارایی لازم را ندارد و اصرار به تربیت فرزندان با شیوه نیاکان فقط باعث از دست رفتن فرصتها می شود.

موضوع مهم دیگری که در تحکیم خانواده موثر است، پایبندی زوجین به چارچوبهای اخلاقی است. از آنجا که پیشرفت بشر و رشد او، بدون انتخاب و اختیار خودش ممکن نیست، حفظ حریم خانواده نیازمند وضع و پایبندی به، قوانینی است که از هرج و مرج ناشی از انتخابهای متعدد و بعضاً متضاد انسانهای مختلف جلوگیری کند. لذا سهل انگاری در امر تشکیل و حفاظت از خانواده و بر هم زدن مرزهای عقلی روابط دو جنس، از جنبه های مختلف فردی و اجتماعی، آسیب زا و از موجبات سست شدن این پیوند مقدس خواهد بود.

وقتی صحبت از خانواده مستحکم می شود، منظور، خانواده سالم و با نشاطی است که والدین در آن برای ایجاد احساس امنیت در اعضای خانواده تلاش می کنند. کودکان در چنین خانواده ای احساس می کنند فارغ از عملکردشان، ارزشمند هستند و پذیرش بی قید و شرط آنان توسط والدین باعث احساس امنیت در آنان می شود. احساس امنیتی که زمینه ساز و لازمه رشد متعادل و موفق محسوب می شود.

در یک خانواده شاد و با نشاط والدین می دانند بچه ها همیشه کودک نخواهند ماند و دیر یا زود مستقل میشوند، پس برای ایجاد خاطرات خوشی که یک عمر همراه کودکان باشد، وقت و انرژی صرف می کنند و برای برقراری ارتباط موثر با فرزندان تلاش می کنند.

در خانواده های مستحکم، همسران به هم توجه کافی ابراز می کنند و گفتگو به عنوان یک راهکار رفع تنش در خانواده نهادینه شده است. در چنین خانواده ای والدین بین فعالیتهای شغلی و خانوادگیشان تعادل برقرار می کنند و هرجا که نیاز به دانستن باشد، مشتاق یادگیری هستند. در این خانواده هر یک از افراد انسان امن خانواده خود و سایرین هستند. انسانی که سایرین به او اطمینان دارند و از دست و زبان او در امان هستند.

خانواده تان سالم و با نشاط